

چیستی و امکان مسئولیت اخلاقی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی؛ باتوجه به جبر طبیعت و جبر اجتماع (سازگارگرایی یا ناسازگارگرایی؟)

الناز شاکری^۱

فرشته ابوالحسنی نیارکی^۲

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش بررسی چیستی و امکان «مسئولیت اخلاقی»، براساس تأثیر عوامل طبیعی و جبر اجتماع از دیدگاه علامه طباطبایی است. دیدگاه علامه طباطبایی را در خصوص چیستی مسئولیت اخلاقی می‌توان چنین بازسازی نمود: پاسخگویی و تعهد در انجام وظایف که به فرد الزام و تکلیف درونی و بیرونی شده است. و این پاسخگویی آزادانه و از روی آگاهی و در حد توانایی‌های فرد است به نحوی که به غایت مطلوب نزدیک شود و عدم این پاسخگویی، سبب نکوهش است. علامه طباطبایی، با نظریه «اعتباریات عملی»، معتقد است تمایلات طبیعت انسان، سبب ایجاد گرایش و اندیشه برای اراده فعل است که علامه به آن «اندیشه‌های اعتباری» می‌گوید. اندیشه‌های اعتباری، علاوه بر اینکه برآمده از اندیشه‌های حقیقی است، از اعتباریات ساخته شده، بنابراین جامعه و فرهنگ و... تأثیر فراوانی در صدور فعل دارد. علامه طباطبایی، عوامل درونی (نظیر فطرت و شاکله) و بیرونی (اجتماعی) دیگری را نیز، دخیل در افعال اخلاقی انسان می‌داند. علامه تأثیر این عوامل طبیعی و اجتماعی را به حد اقتضا می‌داند و نه تا حدی که سبب جبر گردد. براین اساس علامه طباطبایی را یک اندیشمند سازگارگرا می‌دانیم که به سازگاری بین تأثیر عوامل طبیعی و عوامل اجتماعی با مسئولیت اخلاقی انسان حکم مثبت داده است.

واژگان کلیدی

مسئولیت اخلاقی، علامه طباطبایی، جبر طبیعت، جبر اجتماع، سازگارگرایی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، ایران (این پژوهش حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده است).
Email: e.shakeri78@gmail.com

۲. دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه مازندران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: f.abolhasani@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۵ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۴/۸

طرح مسأله

مسئله اصلی این پژوهش بررسی «مسئولیت اخلاقی» از دیدگاه علامه طباطبایی، براساس تأثیر عوامل طبیعی و جبر اجتماع است. مسأله مسئولیت اخلاقی، با مباحث اختیار، اراده آزاد و جبر عجین است، تا آنجا که اساساً اختیار (و یا حتی فراتر از آن، اراده آزاد) شرط مسئولیت اخلاقی است. (عدالت‌جو، ۱۳۹۸، ۱۸۷) مسئولیت اخلاقی، یکی از مهمترین مباحث فلسفی است که علاوه بر اهمیت نظری، کارکردهای عملی و کاربردی فراوانی در زیست فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند. پاسخ به این مسأله، می‌تواند در زمینه مسائل اخلاقی دیگر نظیر امکان تغییر اخلاق و رفتار، پاداش و عقوبت، نکوهش یا ستایش، مباحث وجدان و ... سرنوشت‌ساز باشد. هم‌چنین در بعد اجتماعی نیز، پذیرش جبر طبیعی و اجتماعی، امکان تربیت اخلاقی، امکان مسئولیت حقوقی و اخلاق مدنی، حرفه‌ای، سازمانی و جامعه‌نگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عواملی که این نوع مسئولیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، برخی عوامل طبیعی هستند که ریشه در درون فرد، طبیعت و سرشت او دارند و برخی نیز عوامل بیرونی و اجتماعی. اندیشمندان در خصوص تأثیر این عوامل بر مسئولیت اخلاقی دیدگاه‌های مختلفی را اخذ کرده‌اند. برخی تأثیر این عوامل را در مقابل اراده و اختیار آدمی ناچیز، بلکه بی‌اثر دانسته و برخی، با نوعی پذیرش جبر (متوسط یا حداکثری)، انسان را تحت تأثیر مستقیم این عوامل می‌دانند. تا جایی که برخی قائل به جبر طبیعی و جبر اجتماعند. (Kane, 2005: 13) در جبر طبیعی، واسطه‌ی قوانین طبیعت و زیست‌شناسی بر رفتار فرد مطرح است؛ مانند ژنتیک، امور وراثتی، تغییرات هورمونی و شرایط جسمانی و سیستم‌های عصبی و حتی عوامل شناختی، عواطف و هیجانات، فطرت، سرشت، وجدان، خلق و خو و جبر اجتماع نیز به عواملی گفته می‌شود که در محیط اجتماعی فرد حضور دارند؛ مانند تأثیر خانواده، محیط تحصیلی، فشارهای اجتماعی و فرهنگی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی و ...

در این پژوهش، به بررسی دیدگاه‌های علامه طباطبایی در مورد مسئولیت اخلاقی و رابطه آن با جبر طبیعی و اجتماعی پرداخته می‌شود. ابتدا با تحلیل چیستی، هستی و امکان

مسئولیت اخلاقی، به بررسی رابطه مسئولیت و عوامل موثر در آن (طبیعی و اجتماعی) می‌پردازیم. سپس جبری بودن یا نبودن تأثیر این عوامل را تبیین می‌نماییم و در آخر در پرتو طبقه‌بندی سازگارگرایی یا ناسازگارگرایی، دیدگاه علامه را داوری می‌کنیم. مهمترین پیش‌شرط مسئولیت اخلاقی، داشتن اختیار و بلکه اراده آزاد است که با چالش‌های مختلفی مواجه است: این چالش‌ها، عبارت‌اند از چالش (۱) توهم اراده آگاهانه؛ (۲) چالش علیت و (۳) چالش علم پیشین الهی. (حسین زاده، ۱۴۰۰، ۷۳) در این مقاله چالش علم پیشین الهی مطرح نیست. همچنین ما به چالش توهم اراده آگاهانه نیز نمی‌پردازیم. زیرا این چالش، مبتنی بر مشاهدات تجربی و آزمایشات است که «در باره ناآگاهانه بودن فرآیندهای مغزی که به قصد و اراده منجر می‌شوند». (همان، ۷۴) می‌پردازد. همچنین بحث ما، جبر علی یا فلسفی نیز نیست که در آن بحث از قانون علیت، وجوب علی و ضرورت علی مطرح است. مسأله این مقاله جبر طبیعی و جبر اجتماع و رابطه آن با مسئولیت اخلاقی است. خاستگاه این بحث، که اراده انسان را غیراختیاری و از پیش تعیین شده می‌داند، در علوم جدید است که مثلاً در علوم تجربی، جبر ژنتیکی یا تأثیرات بیوشیمی مغز که نوعی جبر طبیعی است مطرح است (Honderich, 2002:5) و در علم روان‌شناسی اجتماعی، در قالب مکاتب جبر‌گرای محیطی نظیر رفتارگرایی نمود یافته است. (کیلن، ۱۳۸۹، ۴۰، ۴۵)

مسأله اصلی در بحث رابطه مسئولیت اخلاقی با اختیار و اراده آزاد این است که آیا در جهانی موجیت (وجوب علی) یافته، می‌توان دارای اراده آزاد و به تبع آن، مسئولیت اخلاقی بود. از پاسخ به این مسأله تحت عنوان سازگارگرایی^۱ یا ناسازگارگرایی^۲ یاد می‌شود. سازگارگرایان، بر آنند که با درستی و قبول صحت وجوب علی، باز هم می‌توان دارای اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی بود و این دو با هم سازگارند. در برابر، ناسازگارگرایان معتقدند که موجیت‌گرایی و اراده آزاد ناسازگارند و در جهانی موجیت یافته، نمی‌توان دارای اراده آزاد و به تبع آن مسئولیت اخلاقی بود. ناسازگارگرایان خود دو دسته‌اند: ۱. آزادانگاران^۳ که معتقدند ما دارای اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی هستیم؛

1. compatibilist
2. imcompatibilist
3. ibertarianism

۲. حذف‌گرایان^۱ که معتقدند در جهانی موجیبت یافته ما فاقد اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی هستیم. (عدالت‌جو، ۱۳۹۸، ۱۸۷) براین اساس مسائل تحقیق زیر چنینند:

۱. مسئولیت اخلاقی براساس آثار علامه طباطبایی، چگونه تعریف می‌شود؟
۲. چه عواملی (طبیعی و اجتماعی) در مسئولیت اخلاقی یک شخص دخیلند؟
۳. حدود تأثیر عوامل طبیعی و اجتماعی در رفتارهای اخلاقی انسان، تا کجاست آیا منجر به جبر است؟ دیدگاه علامه، در قالب کدام یک از طبقه‌بندی‌ها از جمله سازگارگرایی یا ناسازگارگرایی قابل انطباق است؟

اگرچه بحث از مسئولیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی در مقاله «تیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی»، تحلیل شده است اما این مقاله، از حل چالش جبر و اختیار و سازگارگرایانه و ناسازگرایانه بودن دیدگاه علامه خالی است. (حبیبی و اکبری، ۱۳۹۳) البته مقاله «راهکارهای حل تعارض ضرورت علی و اراده آزاد براساس مبانی فلسفی علامه طباطبایی»، (تاجیک و فاضلی، ۱۴۰۱)، به موضوع پژوهش حاضر نزدیک‌تر است اما این مقاله نیز، علاوه بر اینکه به تحلیل مسئولیت اخلاقی پرداخته است، طبقه‌بندی دیدگاه علامه را نیز مدنظر قرار نداده است. همچنین مقاله «نوآوری علامه طباطبایی در مسأله نسبت اختیار و ضرورت علی»، (اکبریان تقوی، ۱۴۰۱)، صرفاً به فاعلیت مختار انسان پرداخته است و انتساب افعال به خداوند و ... را بحث کرده است. در مقاله «بررسی نظریه علامه طباطبایی در باب سازگاری ضرورت علی و اختیار انسان» (سعیدی مهر، مقدس، ۱۳۹۱)، به این مسأله پرداخته است، اما مسأله تحقیق در آن مقاله، علل طولی فعل و مباحث اختیار و اراده الهی مطرح است و نه چالش جبر طبیعی و اجتماعی. همچنین مقالاتی نیز در باب اراده و اختیار انسان از دیدگاه علامه طباطبایی موجود است که آنها هم کاملاً با موضوع و مسأله مورد پژوهش ما منطبق نیست. از جمله: مقاله «نقد و بررسی ملاک ثبوتی اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی» (اسماعیلی مهر و فتحی، ۱۴۰۲)، مقاله «ملاک اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی»، (معزز، ۱۴۰۱)، مقاله «جبر و اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی» (نصری، ۱۳۹۲) و ... در پژوهش حاضر، سعی شده است تا با تطبیق آراء و

1. eliminativists

نظرات علامه طباطبایی با مفاهیم فلسفی و تحلیل گسترده‌ای از تأثیرات جبرهای طبیعی و اجتماعی، مسئله سازگاری یا ناسازگاری با مفهوم مسئولیت اخلاقی را بررسی و آن را در چارچوب نظریه‌های فلسفی مورد بررسی قرار دهیم. ما در این مقاله برآنیم که برای اولین بار، با تأکید بر آراء علامه طباطبایی و در چارچوب مسئله‌محور، مسأله مسئولیت اخلاقی و پرسش‌های مربوط به سازگاری یا ناسازگاری آن با جبرهای طبیعی و اجتماعی را تحلیل و بررسی کنیم.

۱. تحلیل مفهوم مسئولیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی

اصطلاح «مسئولیت اخلاقی» در آثار علامه طباطبایی، استعمال نشده است. جدولی که در ذیل می‌آید ابتکار پژوهش حاضر است که نویسنده تلاش کرده است همه موارد به کارگیری واژه مسئولیت را از آثار علامه رصد کند و کاربردهای مختلف مفهوم مسئولیت نزد علامه را بازسازی نماید:

کاربست مفهوم مسئولیت در آثار علامه طباطبایی

معانی متعدد مسئولیت	تعریف	ارجاع
مسئولیت به معنای پاسخگویی	در مقابل حساب و بازخواست	خداوند، محاسب و بازخواست کننده است، و خلق مسئول و مؤاخذ. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۴۶)
مسئولیت به معنای انذار و انجام وظیفه، به قدر طاقت و توانایی فرد	لحاظ طاقت و توانایی (مسئولیت برآمده از وظیفه)	ما تو را بحق بعنوان بشیر و نذیر مژده‌رسان و بیم‌ده فرستادیم و تو مسئول آنها که دوزخی می‌شوند نیستی (همان، ج ۱، ۳۹۷)
مسئولیت با تأکید بر نتیجه عمل و هدف و غایت آن	لحاظ نتیجه، هدف و غایت	کلمه (سؤال) به معنای جلب فائده و یا زیاده‌تر کردن آن از ناحیه مسئول است، تا بعد از توجیه نظر او حاجتش برآورده شود، پس سؤال به منزله نتیجه و هدف است برای دعا (همان، ج ۲، ۴۲)
مسئولیت با تأکید بر سرزنش و نکوهش	بار شدن تقصیر و نکوهش	تنها تقصیر و مسئولیت به عهده کسانی است که به مردم ظلم می‌کنند، و در زمین بغی و طغیان می‌ورزند، بدون اینکه حقی داشته باشند. (همان، ج ۲، ۱۹۲)
مسئولیت در معنای تعهد	در مقابل الزام	«دعوت احتیاج به داعی دارد تا متعهد و مسئول این دعوت شود». (علامه، همان، ج ۲، ۲۲۲)

معانی متعدد مسئولیت	تعریف	ارجاع
مسئولیت به معنای تقصیر / خارج شدن از حیطه وظایف و اختیارات	پیش فرض گرفتن وظیفه و اختیار	«اگر زنان شوهر مرده در این مدت از خانه شوهر بیرون شدند، دیگر شما ورثه شوهر تقصیری در ندادن آن مال ندارید، و یا اگر خواستند بطور شایسته شوهر کنند دیگر شما مسئول نیستید». (همان، ج ۲، ۳۷۰)
به معنای تفویض اختیار	تفویض وظایف و اختیارات حقوقی / شرعی / قانونی و ... به یک فرد	ولی سفیه و دیوانه و بی سواد را با خود آنان در املا شرکت دهد، چون این فرضیه با دو فرضیه قبلی فرق دارد، در آن دو فرض بدهکار خودش مستقلاً مسئول بود، و اما در این صورت بدهکار با سرپرستش در عمل شریک است.... (همان، ج ۲، ۶۸۸)
مسئولیت به معنای وظیفه محدود و مشخص (با درج شرط اختیار)	تأکید بر حد و حدود تعیین شده	من وظیفه‌ای نداشتم جز آنچه که تو برایم معین کردی و آن عبارت بود از: "تبلیغ رسالت و شهادت بر اعمال"، و اما هلاک شدن و نجات یافتن، عذاب شدن یا آمرزیده شدنشان به عهده تو است، هیچ ارتباطی با من ندارد و من هیچ مسئولیتی هم نسبت به آن ندارم و تو در این باره اختیاراتی به من نداده‌ای (ج ۳، ۴۷۷)
تأکید بر قید قدرت و توانایی انجام وظیفه	قدرت و اختیار	قوه مجریه تنها می‌تواند حفظ قانون را در ظاهر حال جامعه تعهد و ضمانت کند، و در مواردی که احیاناً قانون‌شکنی‌ها پنهانی صورت می‌گیرد از حیطه قدرت و مسئولیت مجری، خارج است (همان، ج ۴، ۱۷۱)
تأکید بر وجه علیت (حقیقی / معد در علت) در بین همه پدیدارها و نه فقط انسان	معنای وسیعی از مسئولیت؛ شامل برعلیت	«پرندگان که ماده آنها مسئول حضانت و پرورش تخم و تغذیه و تربیت جوجه است و نر آنها مسئول رساندن آب و دانه به آشیانه». (همان، ج ۴، ۲۸۵)
نقش‌ها و وظایف مختلف فرد در محیط، جامعه، سازمان و ...	تأکید بر اندازه و حد نقش و وظیفه شخص در تحلیل مسئولیت	اما زنان گو اینکه بر حسب یک نظریه عمومی مالک ثلث ثروت دنیايند، ولی بر حسب آنچه در خارج واقع می‌شود در دو ثلث اموال دنیا تصرف می‌کنند، و زنان در یک ثلث سهم خود مستقل در تصرفند و تحت قیمومت دائمی یا موقت مردان نیستند مردان هم مسئول تصرفات آنان نیستند، البته این تا زمانی است که آنان آنچه در باره خود می‌کنند بطور پسندیده باشد. (همان، ج ۴، ۳۶۲)
تأکید بر تکلیف به قدر طاقت فرد	منع تکالیف مالایطاق بر فرد	چون او جز اطاعت خودش و تحریک مؤمنان تکلیفی و مسئولیتی ندارد، هر که خواست قبول کند، نخواست

معانی متعدد مسئولیت	تعریف	ارجاع
		قبول نکند. (همان، ج ۵، ۳۷/ همان، ج ۷، ۴۳۳)
تأکید بر مسئولیت به معنای واکنش فعالانه و حساسیت به حقوق و منافع دیگران	شامل بر حساسیت و واکنش	مؤمنین تن واحدی فرض شده و اموال مؤمنین، اموال آن یک تن فرض شده، بطوری که اگر مال یکی به سرقت برود دیگران مسئولند و در حفظ و حمایت آن اهتمام بورزند. (همان، ج ۵، ۱۱۳)
مسئولیت به معنای تکلیف	تکلیف و تعهد	ربانیین کسانی هستند که مسئول و مکلف به حفظ کتابند، نظیر اینکه در باره صدیقین فرموده: "لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ". (همان، جلد ۵، ۵۹۴)
جبر با مسئولیت منافات دارد	اخذ قید آزادی و دوری از فشار عامل بیرونی	انسانهای متجبری است که خود را آزاد و غیر مسئول و دیگران را همه بنده و مسئول خود می‌داند (همان، ج ۶، ۵۲۹)
مسئولیت علی (به معنای اراده بالادستی)	توجه به اراده‌ها و اداره‌های بالادستی نظیر اراده الهی در اعمال و پدیده‌های این - جهانی	خدایان را تنها مسئول اداره یک نوع و یا یک دسته از مخلوقات خود قرار داده است، مانند اله انسان و یا اله قبیله و یا الهی که مخصوص یک پادشاه و یا یک خان و رئیس قبیله است. (همان، ج ۷، ۲۴۷)
مسئولیت در معنای کارکرد اصلی یک موضوع	کارکرد	عقل سلیم که مسئول درک حقایق و معارف حقیقی است. (همان، ج ۱۱، ۴۴۱) قانون که مسئول تعدیل زندگی مردم است (همان، ج ۱۲، ۱۲۶)
اخذ قید آزادی در عمل در شرایطی که بدیل دارد.	توجه به بدیل‌های جایگزین اعمال	شامل بر احساس مسئولیتی مرتکب هر عملی - چه خیر و چه شر - بشود و همان طور که در اطاعت خدا آزاد است معصیت خدا را هم آزادانه مرتکب شود. (همان، ج ۱۳، ۶۷)
مسئولیت یعنی مسئول عنه	اخذ قید بازخواست و پاسخگویی	مسئول در اینجا به معنای "مسئول عنه" است، یعنی از آن بازخواست می‌شود. (همان، ج ۱۳، ۱۲۴)
پاسخگویی در سایر پدیده‌ها در مفهومی اعم از انسان	مفهوم اعم تر از انسان	مسئول " و سؤال شده خود "گوش"، "چشم" و "قلب" خواهد بود که از خود آنها پرسش می‌شود. (همان، ج ۱۳، ۱۲۹)
پس دادن حساب اعمال در قبال وظایف محوله و مشخص	تأکید بر الزام یکسری وظایف محوله	مردم مسئول پس دادن حساب اعمال خویشند و بدین جهت حکمت اقتضا می‌کند که از ناحیه پروردگارشان ذکری بر آنان نازل شود و در آن ذکر (و کتاب)، مسئولیت آنان را برایشان شرح دهد (همان، ج ۱۴، ۳۴۳)

علامه طباطبایی، در آثار خود، شروطی نیز برای مسئول خواندن شخص مدنظر قرار داده است: علامه طباطبایی بر این باور است که مسئولیت تنها در صورتی وجود دارد که انسان به انتخاب‌های خود آگاه باشد و توانایی تشخیص میان حق و باطل را داشته باشد. او تأکید می‌کند که این مسئولیت به شناخت اصول اخلاقی و پایبندی به آن‌ها بستگی دارد. از دیدگاه علامه، فرد باید به‌طور کامل از پیامدهای اعمال خود آگاه باشد تا بتواند به‌عنوان یک موجود مسئول در نظر گرفته شود. در *نهایه الحکمه*، علامه بیان می‌کند: "انسان موجودی است با اراده آزاد که می‌تواند بین خوبی و بدی انتخاب کند. مسئولیت او در قبال انتخاب‌هایش، بر اساس آگاهی و اراده‌اش تعیین می‌شود" (طباطبایی، ۱۳۶۶، ص ۴۵) همچنین، در تفسیر میزان، علامه به تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر مسئولیت فردی اشاره می‌کند و می‌گوید: "انسان‌ها نه تنها به خاطر اعمال خود، بلکه به‌واسطه تأثیرات اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، مسئولند" (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۰) این دیدگاه به جنبه‌های جمعی مسئولیت اخلاقی اشاره دارد و نشان می‌دهد که مسئولیت فراتر از انتخاب‌های فردی است. می‌توان گفت که در نوعی بازسازی تعریفی و تحلیلی، علامه طباطبایی تعریفی جامع از مسئولیت اخلاقی ارائه می‌دهد که شامل آزادی اراده، آگاهی از پیامدها و تأثیرات اجتماعی است. تا حتی علامه طباطبایی، علاوه بر مسئولیت‌های یک فرد نسبت به خود، دیگران، خانواده، خدا و جامعه و اجتماع، مسئولیت‌هایی در بعد جامعه‌نگر نیز قائل است. اینجاست که جمعی از افراد، نسبت به جمعی دیگر و حقوق و منافع جمعی مسئولیت دارند. و یا اینکه حکومت نیز در قبال افراد جامعه مسئولیت‌های متعدد اخلاقی دارد. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۲۶۲) این نوع نگاه ساختارگرایانه علامه طباطبایی، در تربیت و توسعه اجتماع به نحو جامعه‌نگر و سازمانی-ساختاری بسیار رهگشاست:

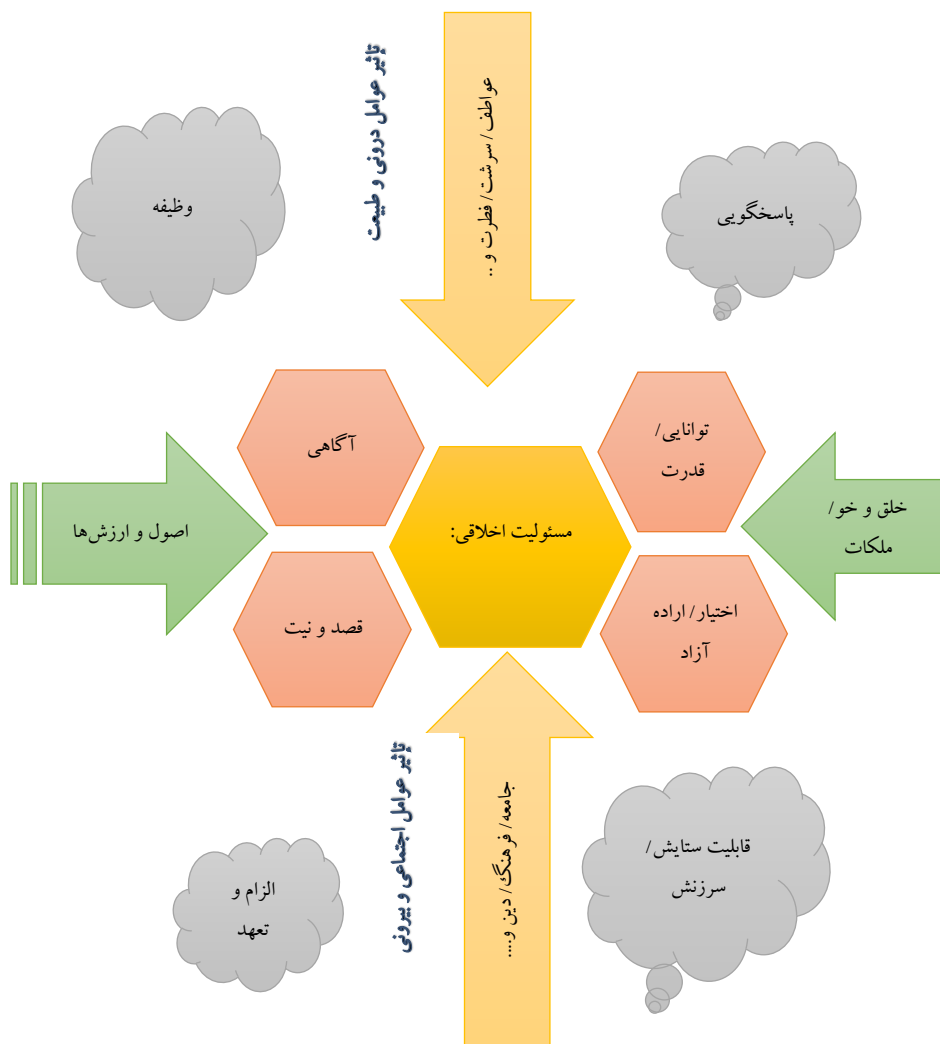
«ای اهل کتاب به سوی کلمه‌ای بشتابید که مسئولیت ما در برابر آن بیش از مسئولیت شما نیست، همه در برابر آن مسئولیتی یکسان داریم (آل عمران / ۶۴)» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۲۴۳). نمونه زیر، دلیلی بر اجتماعی دیدن پدیده مسئولیت در دیدگاه علامه طباطبایی است: «او نسبت به مردم وظیفه‌ای جز ادای رسالت و قیام بر امر شهادت نداشته و در ایام زندگی کاری جز انجام این دو وظیفه نکرده و پیرامون کارهایی که حق او نبوده

نگاشته و او مسئول حرفها و اعتقادات کفرآمیز ملت خود نیست». (همان، ج ۵، ۳۵۸)

در نظر علامه طباطبایی، انسان نه تنها در برابر کنش‌های خود و نیت خود مسئول است، حتی در باب سکوت خود در جامعه نیز مسئولیت دارد: «نهی از منکر به ما اختصاص ندارد، شما هم که سکوت کرده‌اید مسئولید، و باید این سکوت را شکسته و این قوم را نصیحت کنید». (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ۳۷۴) حتی بنده، در برابر، علم و اراده خویش نیز مسئول است. (همان، ج ۲۰، ۴۰۱) براساس آنچه از آثار علامه طباطبایی رصد و گزارش شد تعریف مسئولیت اخلاقی را می‌توان نزد علامه طباطبایی چنین تحلیل کرد:

فاعلیت، عاملیت و علیت (حقیقی/معد/حقوقی) فرد (سازمان یا محیط و اجتماع و...)، در پاسخگویی (نسبت به حساب و محاسبه، بازخواست و اجابت درخواست) و تعهد در انجام وظایف مشخص شده و حتی فراتر از آن، و البته واکنش فعالانه نسبت به حقوق دیگران، که به فرد الزام و تکلیف درونی و بیرونی شده است. و این پاسخگویی در حد توانایی‌های فرد و طاقت اوست به نحوی که به غایت مطلوب نزدیک شود و عدم این پاسخگویی، سبب سرزنش و نکوهش فرد است. چنین فاعلی نسبت به وظایف خود آگاهی دارد و با آزادی این امر، را انتخاب کرده است و هیچ عاملی از بیرون آن را تحت جبر قرار نمی‌دهد. اگرچه تأثیر عوامل متعدد مفروض است.

در یک جمع‌بندی نمودار ذیل با تأکید بر امکان مسئولیت اخلاقی، ضمن تحلیل چیستی مسئولیت اخلاقی، به عوامل دخیل در آن می‌پردازد:



۲. تحلیل عوامل دخیل در رفتار اختیاری و اخلاقی؛ پیش شرط مسئولیت اخلاقی

اختیار، به عنوان یکی از مهمترین پیش شرط‌های باور به مسئولیت اخلاقی برای انسان است، در فلسفه اسلامی اگر فعلی از روی اراده‌ای باشد که از یک منشأ علمی-شناختی (احساس / تعقل / تخیل) برآمده است، فعل اختیاری است و فاعل در آن مجبور نیست. این نوع فعل اختیاری، یعنی صرفاً مجبور نبودن فاعل از یک عامل بیرونی از قبیل اجبار

فیزیکی، یا تهدید یا فشار اجتماعی و اما در فلسفه معاصر غرب، بحث از «اراده آزاد» مطرح است که سطح بالاتری از اختیار است. از آنجا که خود اراده، فعلی از افعال نفس است، می‌توان از اختیاری یا جبری بودن آن پرسید؟ یعنی آیا اراده امری اختیاری است؟ یعنی برای اراده نیز اراده آزادی صورت گرفته است؟. در این نوع اراده، شخص به آنچه اراده می‌کند نیز آزاد است. (حسین زاده، ۱۴۰۰، ۵۷)

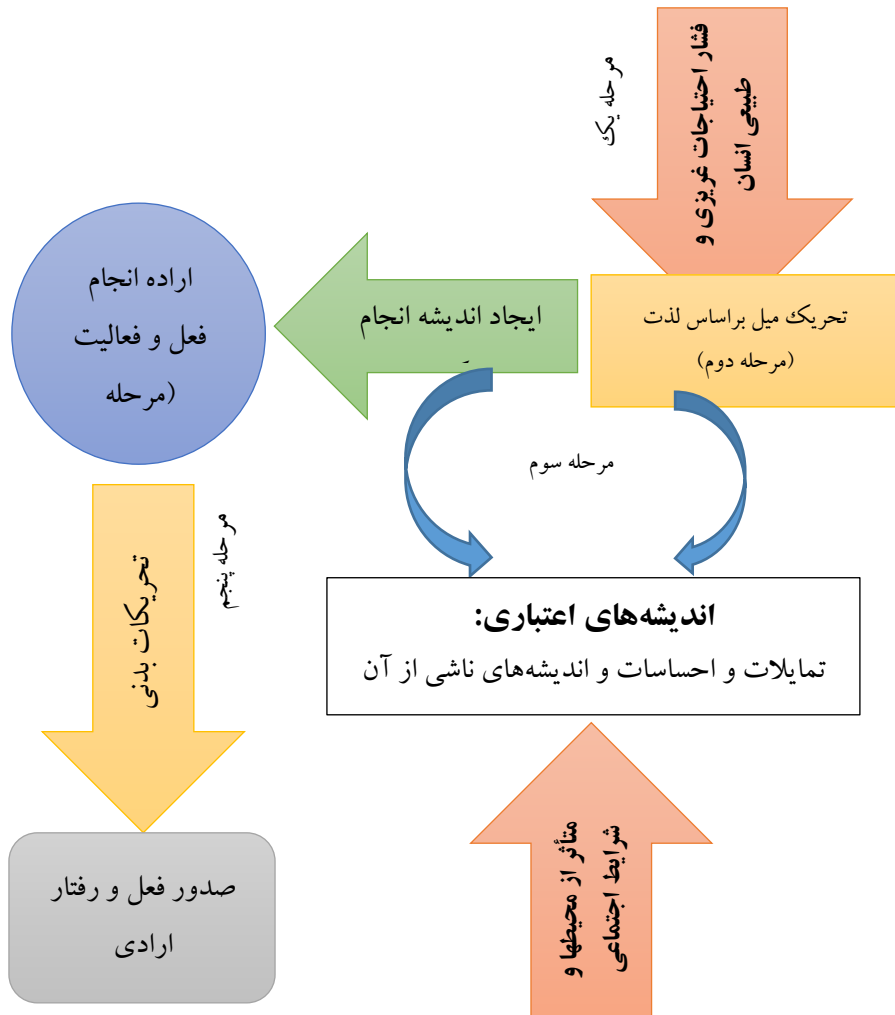
علامه طباطبایی در نه‌ایه‌الحکمه معتقد است اراده، همان شهوت یا میل و شوق نیست. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۵) نفس انسانی، علت فاعلی افعالی است که از وی صادر می‌شود، و از آنجا که نفس انسانی، مبدائی علمی است، صرفاً امری را کمال می‌داند که آن‌ها را کمال تصور کرده باشد و کمال بودن آن‌ها را یعنی فایده‌مندی آن‌ها را تصدیق کرده باشد. پس [۱] علم به فعل (تصور و تصدیق کمال برای فاعل) لازم است. [۲] به دنبال، تصدیق به فایده کار، شوق به انجام کار برای انسان پدید می‌آید. و [۳] به دنبال شوق، اراده تحقق می‌یابد. براین اساس، اراده، مرحله‌ای جدا از شوق، و بالاتر از آن، و نوعی عزم و تصمیم است و اتفاقاً اراده، قدرت بر انجام بر فعل نیز نیست زیرا گاهی ما اراده می‌کنیم، اما قدرت انجام فعلی را نداریم و بالعکس. اراده، به عنوان منبعی مستقل است که سبب به تحریک در آوردن قوای فاعله می‌گردد؛ براین اساس مبادی فعل ارادی شامل بر علم، شوق، اراده و قوه فاعله (عامل) است. (همان، ۳۹۵-۳۹۸) علامه طباطبایی، در تعریف و تمایز فعل ارادی از فعل اختیاری می‌نویسند:

«آن دسته از افعال انسان که علم در انجام آنها مدخلیت دارد، از اراده فاعل خالی نیست، حتی فعل جبری.... معیار اختیاری بودن فعل آن است که نسبت انسان به انجام و ترک آن یکسان باشد، اگرچه صدور فعل از انسان در آن حال که فاعلیت وی تام گشته، به نحو ضرورت و وجوب بوده باشد». (همان، ۳۹۹، ۴۰۰)

دیدگاه ایشان در اصول فلسفه و روش رئالیسم تحلیل می‌شود که راهگشای بیان تأثیر و تأثر این عوامل است: در ساختمان وجودی هر انسان (و هر حیوانی)، دو دستگاه مشغول به کار است: دستگاه طبیعت و دستگاه نفسانیات. دستگاه طبیعت، شامل بر جهازات طبیعی و بدنی است و دستگاه نفسانیات، راجع به شعور، اندیشه و میل و لذت و اراده و خواهش

است. کلاً طبیعت حیوانی و انسانی، برخلاف نبات، «برای وصول به اهداف و غایات کمالی خود نیازمند به میانجی شدن شعور و ادراک و میل و لذت و خواهش است». (مطهری، ، ۱۳۸۶، ص ۴۰۶) علامه طباطبایی و شهید مطهری در کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، درخصوص واسطه واقع شدن ادراکات حیوان یعنی شعور وی (و به تبع آن اراده، میل و لذت)، میان طبیعت حیوانی-انسانی، و غایات و اهداف آن پرداخته‌اند و مقصودشان از ادراکات، همان «ادراکات اعتباری» است که این امر را در توجیه فعالیت‌های انسان و رفتارهای او برای حفظ بقا و حفظ «خود» با قانون «استخدام» تحلیل می‌کنند. (همان، ۴۰۷) علامه طباطبایی، با انسان بسیط (کودک یا انسان نه در مراحل بالایی رشد اخلاقی و ..) تحلیل را آغاز می‌کند که می‌فرمایند به ازای هر یک از احتیاجات طبیعی، تمایلات و غرایز و امیالی نهفته در حیوان و انسان موجود است، که براساس این غرایز، ادراکات و امیالی ثانوی ناشی از اندیشه‌ها، برایش محقق می‌شود که باید مثلاً رفتاری از او صادر شود تا اینکه بالاخره «منجر به اراده و حرکاتی در ظاهر بدن که مظهر آن تمایل و آن اندیشه است می‌شود». (همان، ۴۰۹) نمودار زیر نمایان‌گر دیدگاه علامه در خصوص افعال ارادی انسان در رفتارهای بسیط است:

نمودار ۳-۱: رفتارهای ارادی در حیوان و انسان بسیط (رفتارهای رشدنیافته سطوح پایین دستی)



همانطور که در نمودار دیده می‌شود، «انسان» در افعال قصدی و ارادی خود، مطیع و تابع تمایلات و احساسات درونی خویش است و کارهایی که در طبیعت و برای رسیدن طبیعت به مقصد و اهدافش انجام می‌دهد از راه اطاعت تمایلات درونی خود و برای وصول به لذات نفسانی خود انجام می‌دهد». (همان، ص ۴۱۰) به اعتقاد علامه طباطبایی، امیال و اندیشه‌های ناآگاهانه، نقش بسیار مهمی در بروز رفتارهای ارادی انسان دارد:

«انسان، بدون آنکه از احتیاجات طبیعی خود آگاه باشد، و غایت فعالیت‌های خود را که این امور نفسانی برای آن‌ها کار می‌کنند بداند، کارهای ارادی و قصدی خویش را انجام می‌دهد». (همان)

علامه طباطبایی، نفسانیات حیوان یعنی تمایلات و احساسات و اندیشه‌های ناشی از آن را، «اندیشه‌های اعتباری» نام می‌نهد که «به منزله ابزاری هستند که طبیعت آن‌ها را برای رسیدن به مقاصد خویش به کار می‌گیرد». (همان، ۴۱۱)

نکته مهم دیگر در این نمودار و تحلیل، تأثیر «اقتضای محیط‌ها و شرایط ظروف و احوال» در اندیشه‌های اعتباری انسان و همچنین ابزارهای او در نیل به اهداف طبیعت است. علامه طباطبایی معتقد است «همواره تغییر محیط و تغییر احتیاجات، خواه ناخواه به حکم «قانون انطباق با محیط»، از طرفی در وضع تجهیزات بدنی و از طرفی در وضع تجهیزات روحی وی موجب تغییرات متناسبی می‌شود». (همان، ۴۱۲) براین اساس، علاوه بر تأثیر طبیعت، به عنوان یکی از عوامل مهم دخیل در رفتارهای ارادی-اختیاری انسان، بحث از تأثیر اجتماع نیز مطرح می‌شود و می‌توان افعال انسان را از حیث جبر و اختیار، و عوامل تهدیدکننده آن یعنی جبر طبیعت و جبر اجتماع بازشناسایی و تحلیل و بررسی کرد. علامه طباطبایی در ادامه مطلبی دارند که در تعیین حدود این تأثیر رهگشاست:

در باب انطباق با محیط، «فی الجمله، مسلم است که تغییر محیط و تغییر احتیاجات، هم در وضع تجهیزات بدنی و اعضا و جوارح موجود زنده مؤثر است و هم در وضع روحی و نفسانی وی. مثلاً مطالعات احوال و عقاید و روحیه ملل مختلف، اثبات کرده که همواره طرز افکار و تمایلات و احساسات هر مردمی، متناسب است با منطقه جغرافیایی زندگانی آنان». (همان، ۴۱۲)

علامه طباطبایی، معتقد است که طرز فکر انسان‌ها، در ملل و جامعه‌های متنوع، مختلف است و این امر، روی قضاوت ایشان بر روی خوبی و بدی، زیبا و خوب و زشت و ناپسند تأثیر می‌گذارد. علامه نام این امور را، «افکار اعتباری» می‌داند. به اعتقاد ایشان، عقل و معقولات نظری در همه کس، همه جا و جمیع ظروف و احوال یکسان است ولی اعتباریات قابل اختلافند. البته اعتبارات هم چند قسم هستند و برخی از افکار اعتباری، قابل تغییر و

تبدیل نیست. (همان، ۴۱۳) بنابراین در هر فعل اختیاری و ارادی انسان، علاوه بر «اندیشه-های حقیقی»، یکسری «اندیشه‌های اعتباری» دخیل است که مقدمه صدور این رفتارها هستند. (همان، ۴۱۵).

در مورد اعتباریات باید چنین توضیح داد:

۱. «انسان به واسطه به کار انداختن قوای فعاله خود، یک سلسله مفاهیم و افکار اعتباریه تهیه می نماید.

۲. ضابط کلی در اعتباری بودن یک مفهوم و فکری این است که به وجهی متعلق به قوای فعاله و فاعله انسان گردد و نسبت «باید» را در آن فرض کرد: (این سبب را باید خورد) بنابراین اعتباریات در خصوص افعال آدمی است.

۳. اعتباریاتی که لازمه فعالیت قوای فعاله انسان است، «اعتباریات بالمعنی الاخص» هستند و «اعتباریات عملی» در مقابل «اعتباریات بالمعنی الاعم» که همان معقولات ثانیه فلسفی و منطقی است.

۴. اعتباریات عملی دو قسمند: اعتبارات ثابته (غیرمتغیر) و اعتبارات متغیره. اعتبارات ثابته نظیر اصل عدالت اجتماعی، یا اعتبار اجتماع/ و اعتبارات متغیره، نظیر زشت و زیباهای خصوصی و اشکال گوناگون اجتماعات.

۵. انسان‌ها می توانند هر سبک اجتماعی را که روزی خوب شمرده و روزی دیگر بد بشمارد، یا برخی امور را روزی خوب و روزی بد بداند و برخی امور را در فرهنگی، باید و در فرهنگی دیگر نباید تلقی کند (اعتبارات عملی متغیره) ولی نمی تواند از اصل اجتماع صرف نظر کند و یا اصل خوبی و بدی را فراموش نماید (اعتبارات ثابته).

۶. براین اساس انسان، میان خود (قوای فعاله)، و میان حرکات حقیقی و افعال اختیاری خود اجمالاً یک سلسله ادراکات و علوم را ساخته و بسط می دهد.

۷. مثلاً یکی از اعتباراتی که انسان می سازد، اعتبار حسن و قبح است (خوبی و بدی) که انسان اضطراراً آن‌ها را اعتبار می کند. خوبی و بدی، نسبی بوده و مربوط به کیفیت ترکیب سلسله اعصاب یا مغز ماست. یا می توان گفت خوبی و بدی، ملایمت یا عدم ملایمت و موافقت با قوای مدر که ما است. فعلی را که ملایم و سازگار با قوای فعاله می دانیم، «خوب»

و در مورد ترک فعل، فعل ناسازگار را «بد» می‌دانیم.

۸. اجتماع و محیط در اعتباریات متغیر بسیار موثر است. (همان، صص ۴۲۸-۴۴۳)

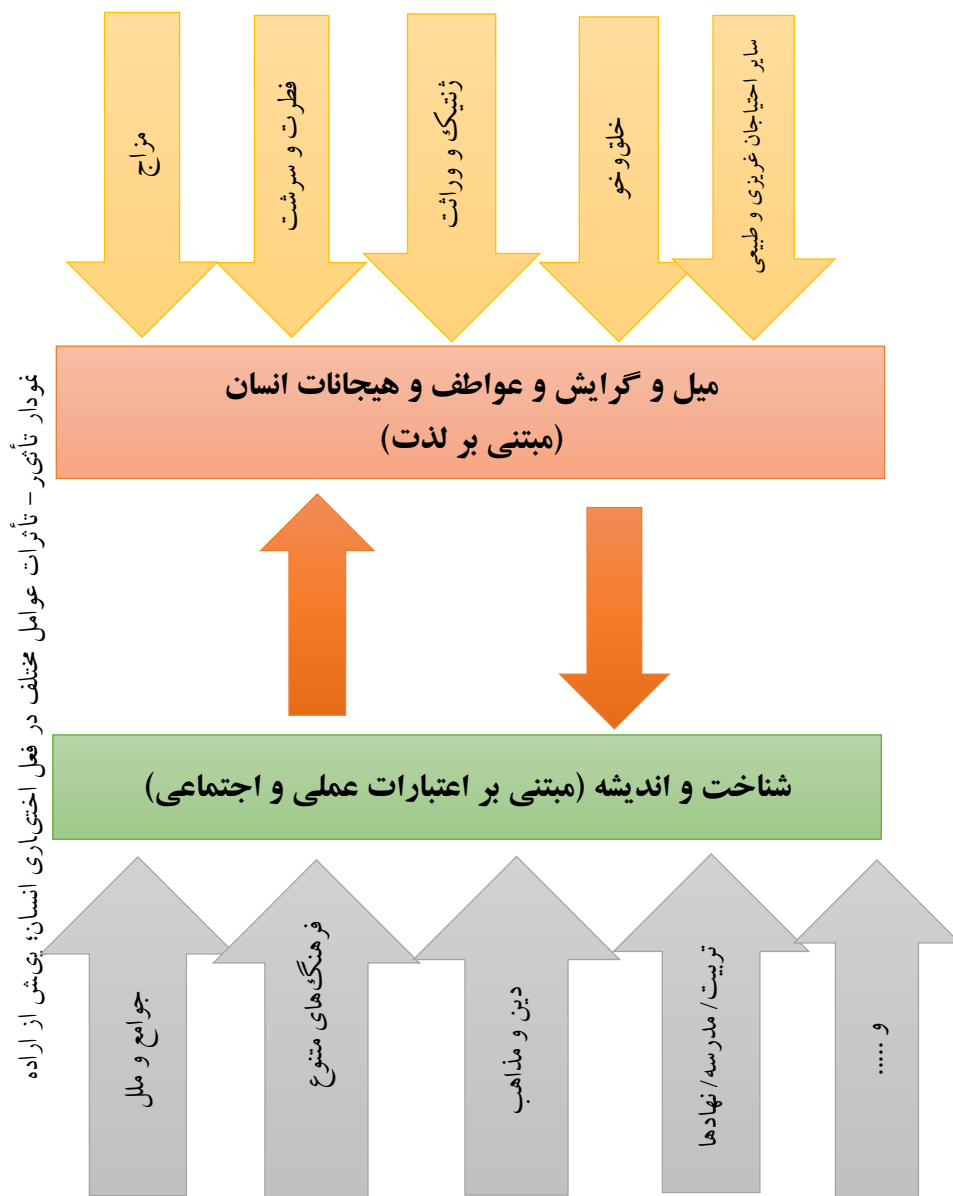
همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، یکی از مهمترین عوامل درونی مؤثر در فعل اختیاری به ویژه فعل اخلاقی او را، «شاکله» می‌داند. علامه در تفسیر آیه ۸۴ سوره اسراء، به معانی مختلف شاکله اشاره می‌کند و در نهایت آن را، به ملکات نفسانی به ویژه ملکات اخلاقی و خُلق تحلیل کرده است. «به هر حال آیه کریمه عمل انسان را مترتب بر شاکله او دانسته به این معنا که عمل هر چه باشد مناسب با اخلاق آدمی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ۲۶۲) علامه در تفسیر این آیه، موارد متعددی را دخیل در رفتار اخلاقی انسان می‌داند: وی میان ملکات نفسانی و احوال روح و میان اعمال بدنی رابطه خاصی را بیان کرده است. (همان) همچنین حتی «میان صفات درونی و نوع ترکیب بنیه بدنی انسان» نیز یک ارتباط خاصی بیان کرده است. (همان) «پاره‌ای از مزاجها خیلی زود عصبانی می‌شوند و به خشم در می‌آیند، و طبعاً خیلی به انتقام علاقمندند، و پاره‌ای دیگر شهوت شکم و غریزه جنسی در آنها زود فوران می‌کند، و آنان را بی‌طاقت می‌سازد، و به همین منوال سایر ملکات که در اثر اختلاف مزاجها انعقادش در بعضی‌ها خیلی سریع است، و در بعضی دیگر خیلی کند و آرام». (همان) همچنین به تأثیر عوامل اجتماعی که به تأثیر و تأثر متقابلی با عوامل درونی نظیر مزاج و ملکات دارند، پرداخته است. (همان، ۲۶۵)

علاوه بر شاکله، علامه طباطبایی در آثار خود به صورت پراکنده به عوامل دیگری اشاره کرده اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱) فطرت (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵؛ ۲) ویژگی‌های شخصیتی نظیر وجدان، دلسوزی، و عدالت خواهی (همان، ج ۷، ص ۱۶۰؛ ۳) سطح تحصیلات و دانش (همان، ج ۳، ص ۱۲۰؛ ۴) خودآگاهی و خودسازی همان، ج ۱۲، ص ۲۱۰؛ ۵) خلق و خو و غرایز (همان، ج ۱۳، ۲۶۲-۲۶۳؛ ۶) نطفه و وراثت (همان، ج ۱۳؛ ۲۶۲؛ ۷) مزاج (همان، ج ۱۳؛ ۱۹۰) و

همچنین به عوامل اجتماعی و بیرونی دیگری نیز اشاره کرده است. به عقیده علامه، هر جامعه‌ای با ترویج ارزش‌های خاص خود، در شکل‌دهی نگرش‌ها و اخلاقیات افراد آن جامعه نقش دارد. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۰) علامه می‌گوید که محیط‌های سالم

و اخلاق‌مدار می‌توانند در تقویت اخلاق نقش مهمی داشته باشند و به افراد کمک کنند تا بر غرایز و تمایلات منفی خود غلبه کنند. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۰۰) در ذیل به برخی از موارد اجتماعی و بیرونی که بر رفتار آدمی به ویژه اخلاقیات وی مؤثر است بیان می‌شود: (۱) نقش تعلیم و تربیت (طباطبائی؛ ۱۳۸۷؛ ج ۳؛ ۹۱-۹۰ / همو، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۰)؛ (۲) والدین و نهادهای اجتماعی (طباطبایی؛ ۱۳۸۷؛ ج ۲؛ ۲۹۸)؛ (۳) تأثیر فرهنگ‌های محلی، ملی و جهانی مختلف؛ (۴) نقش آموزش و سیاست‌های آموزشی (طباطبایی؛ ۱۳۷۴؛ ج ۶؛ ۳۹۶)؛ (۵) ادیان و مکاتب فکری مختلف (طباطبایی؛ ۱۳۷۴؛ ج ۳؛ ۴۷۰) و

نکته قابل توجه تأثیر و تأثر متقابل این عوامل است که نمودار ذیل به آن توجه کرده است. علامه در اصول فلسفه و روش رئالیسم، به تأثیر متقابل امیال در اندیشه‌ها توجه کرده است که در بالا گزارش شد. از آنجا که در امیال آدمی و ویژگی‌های نفسانی وی موارد متعددی اثرگذار است و از سوی دیگر در نگرش‌های وی، عوامل اجتماعی متعددی دخیل است؛ در نتیجه، تمامی این عوامل در تأثیر و تأثرهای متقابل بر یکدیگر موثرند و براین اساس در فعل اختیاری و اخلاقی انسان، عوامل درونی و بیرونی متعددی دخیل و موثرند:



۳. جبر طبیعی و جبر اجتماع؛ سازگارگرای یا ناسازگارگرای؟

علامه طباطبایی در خصوص دخالت عوامل درونی می‌نویسد: «با همه اینها، دعوت و خواهش و تقاضای هیچیک از این مزاجها که باعث ملکات، و یا اعمالی مناسب خویش است از حد اقتضاء تجاوز نمی‌کند به این معنا که خلق و خوی هر کسی هیچ وقت او را

مجبور به انجام کارهای مناسب با خود نمی‌کند، و اثرش به آن حد نیست که ترک آن کارها را محال سازد، و در نتیجه، عمل از اختیاری بودن بیرون شده و جبری بشود.

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ۲۶۳)

علامه طباطبایی، تأثیر عوامل درونی که را که مجموع همه آنها را «ذات» (همان، ۲۶۴) می‌نامند در حد اقتضاء می‌داند و نه در حد جبر و علیت تامه. براین اساس جبر طبیعت و ذات و درون آدمی، نظیر شاکله، فطرت، غرایز، سرشت، مزاج و ... منتفی است و در عین تأثیرگذاری این عوامل، اختیار انسان و به طریق ثانی، مسئولیت اخلاقی وی باقی است.

علامه طباطبایی درخصوص عوامل اجتماعی نیز می‌نویسد: «در این میان یک نوع ارتباط دیگری است که در میان اعمال و ملکات آدمی و میان اوضاع و احوال جو زندگی او و عوامل خارج از ذات او است که در ظرف زندگی او حکمفرما است مانند آداب و سنن و رسوم و عاداتهای تقلیدی ...، این رابطه نیز غالباً تا حد اقتضاء می‌رسد و از آن تجاوز نمی‌کند، و لیکن گاهی آن چنان ریشه‌دار و پای‌برجا می‌شود که دیگر امیدی بهس از بین رفتن آن نمی‌ماند». (همان؛ ۲۶۵)

براین اساس درخصوص عوامل اجتماعی نیز به حد جبر نمی‌رسد و جبر اجتماع منتفی است و همچنان مسئولیت اخلاقی برای انسان قابل اثبات است. علامه حتی در اصول فلسفه و روش رئالیسم که به نظریه «اعتبارات اجتماعی» اشاره است نیز علیرغم، تأکید و توجه بسیار به اجتماع، به عنوان عامل موثر در نوع رفتارهای مختلف آدمی و همچنین عامل برگزیدن حسن و قبح‌های اخلاقی، همچنان این تأثیر را هرگز جبری نمی‌داند. زیرا اولاً اعتبارات متغیره، نظیر حسن و قبح‌ها، به اعتبارات ثابت «نظیر اصل عدل» بازمی‌گردد و مبنایی برای انتخاب عقلانی رفتار است، ضمن آنکه علیرغم فشار اجتماع و فرهنگ و ...، بر اعتبارات متغیره، اختیار انسان همچنان باقی است. حتی می‌توان علامه طباطبایی را قائل به اراده آزاد دانست زیرا ایشان معتقدند حتی انسان بسیط (یعنی حیوان ناطق)، قادر است به اراده خود، آگاهی و اراده داشته باشد: «حیوان چون با اراده و اندیشه کارهایی می‌کند، ناچار همان‌طور که به اراده و اندیشه خود آگاهی دارد، به حرکتی که ناشی از اراده و اندیشه است آگاهی دارد». (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۶، ۴۱۷)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت از منظر علامه، انسان هم تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی مانند وراثت، ژنتیک و محیط اجتماعی است و هم از اراده و اختیار برخوردار است که به او این امکان را می‌دهد تا در برابر این عوامل واکنش نشان داده و مسیر اخلاقی خود را انتخاب کند. علامه طباطبایی با رد مطلق‌گرایی در آزادی، به گونه‌ای به تعامل میان جبر و اختیار باور دارد. او معتقد است که انسان‌ها از لحاظ ژنتیکی و محیطی تحت تأثیر هستند، اما این تأثیرات آن‌قدر قوی نیستند که آزادی و اختیار را به طور کامل از بین ببرند. علامه در تبیین این رابطه میان جبر و اختیار، از مفهوم «اختیار ناقص» بهره می‌گیرد و توضیح می‌دهد که انسان در یک محیط چندلایه از عوامل تأثیرگذار قرار دارد، اما همیشه می‌تواند با استفاده از اراده خود، از این عوامل فراتر برود. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۱۵)

این دیدگاه نشان می‌دهد که انسان در برابر اعمال و رفتارهای خود مسئول است، چرا که اراده و اختیار همواره به او اجازه می‌دهد که مسیر اخلاقی خود را انتخاب کند. دیدگاه علامه طباطبایی به گونه‌ای تلفیقی از جبر و اختیار است. او بر این باور است که انسان‌ها با وجود تأثیرات وراثتی، ژنتیکی و اجتماعی، به دلیل اراده و عقل خود مسئول اعمال و رفتارهایشان هستند. این دیدگاه نشان می‌دهد که مسئولیت اخلاقی نه تنها امری ممکن است، بلکه وظیفه‌ای است که هر فرد در قبال خود و جامعه‌اش دارد. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۸۸) او معتقد است که انسان‌ها می‌توانند از طریق عقل و وحی در مسیر اخلاقی خود تعالی یابند. به بیان علامه، عوامل بیولوژیکی ممکن است محدودیت‌هایی ایجاد کنند، اما انسان‌ها با استفاده از تعقل و اندیشه می‌توانند بر این محدودیت‌ها غلبه کنند و انتخاب‌های اخلاقی آگاهانه‌ای داشته باشند. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۲۰) به این ترتیب، علامه طباطبایی بین جبر ناشی از عوامل بیولوژیکی و اختیار آزاد انسان تمایز قائل می‌شود. از سوی دیگر در باب جبر اجتماع، علامه طباطبایی تبیین می‌کند که انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود با عوامل متعددی مواجه هستند که می‌توانند به نوعی جبر آنها را شکل دهند. این عوامل شامل فشارهای فرهنگی، انتظارات اجتماعی، قوانین و مقررات، و نهادهای اجتماعی می‌شود که همگی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای فردی نقش دارند. اما این عوامل به معنای حذف کامل

اختیار فردی نیستند. او معتقد است که هرچند عوامل تأثیرگذار طبیعی و اجتماعی زیادی موجود است، انسان‌ها همچنان قادر به اعمال اختیار خود هستند. این توانایی اختیاری نشان‌دهنده قدرت فردی است که می‌تواند با عوامل جبری مقابله کند و از آن‌ها برای رشد و تعالی خود بهره‌برداری نماید. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۳۴) براین اساس دیدگاه علامه طباطبایی را می‌توانیم دیدگاهی سازگار گرایانه بنامیم که به سازگاری تأثیر عوامل طبیعی و اجتماعی با اختیار انسان به عنوان مهمترین شرط مسئولیت اخلاقی حکم کرده است.

نتیجه‌گیری

در یک جمع بندی میتوان گفت مسئولیت اخلاقی، نوعی وظیفه فرد (و یا حتی سازمان و شخصیت‌های حقوقی) در انواع نقش‌های اوست که البته توانایی، استعداد، قدرت و اختیار انجام آن را داشته باشد و براساس الزام‌های اخلاقی بیرونی و درونی (اصول و ارزش‌ها/ خلق فرد) شکل می‌گیرد، به نحوی که فرد را به سبب علیت وی (تام/ ناقص)، در انجام آن وظیفه و نقش، پاسخگو و قابل ستایش و سرزنش می‌کند. در مسئولیت اخلاقی، مؤلفه‌ها و پیش شرط‌های مهمی دخیلند. از جمله (۱) آگاهی؛ (۲) نیت و قصد؛ (۳) توانایی و قدرت؛ (۴) اختیار و بلکه اراده آزاد؛ (جبری نبودن). از آنجا که جبری بودن فعل، بستگی به عواملی دارد از جمله تأثیر مطلق علل طولی مرید و عالم دیگر از جمله خداوند؛ تأثیر عوامل زیست‌شناختی و عصب‌شناختی و هورمون‌ها، طبیعت، سرشت، خلق و خو، فطرت و ...، تأثیر عوامل اجتماعی و جبر بیرون (دین، فرهنگ، خانواده، ملیت و قومیت و ...)، می‌توان گفت چالشی‌ترین بعد مسئولیت اخلاقی، پیش شرط اختیار و اراده آزاد و آزادی در عمل یعنی دوری از جبر فلسفی، جبر طبیعی و جبر اجتماع است. همچنین مسئولیت اخلاقی، علاوه بر افعال و رفتارهای آدمی، شامل نیت و امور باطنی پنهانی قلبی-روحی، عواطف و هیجانات و احساسات و حتی باورها و شناخت‌ها و عقاید انسان است. در این مقاله، از میان عواملی که مؤثر در رفتارهای اخلاقی انسان است، به جبر طبیعت و جبر اجتماع پرداخته شد و سایر ابعاد نظیر جبر کلامی و جبر فلسفی و ضرورت علی و ...،

مطرح نشده است. اگرچه علامه طباطبایی، عوامل متعدد درونی و بیرونی-اجتماعی را دخیل در رفتارهای اختیاری-اخلاقی انسان می‌داند، اما صرفاً به تأثیر و تأثرهای متقابل آنها اشاره کرده است و این تأثیرات در حد جبر و علیت تامه نیست، بلکه صرفاً «در حد اقتضاء» است. براین اساس همچنان اختیار آدمی و به تبع آن مسئولیت اخلاقی وی، پابرجاست. علامه طباطبایی، این اقتضاء را چیزی بین جبر و اختیار می‌داند؛ اگرچه در جایی، حتی به اراده آزاد نیز اشاره شده است یعنی ارادی بودن و آگاهانه بودن اراده انسان. براین اساس شاکله، غرایز، تمایلات درونی و وجدان، فطرت و سرشت، که همه «ذات» نام دارند، تأثیر جبری ندارند. همچنین اگرچه حسن و قبح‌ها و شناخت انسان به عنوان مقدمه فعل، برآمده از اعتبارات اجتماعی و تغییرات محیط و فرهنگ و ... است، اما بازگشت این اعتبارات به اعتبارات ثابته و فطری بودن دین، سبب می‌شود که علامه را قائل به جبر اجتماع ندانیم. زیرا همچنان اختیار آدمی پابرجاست بنابراین مسئولیت اخلاقی وی نیز مورد تأیید ایشان است. براین اساس علامه طباطبایی را اندیشمندی سازگار گرامی دانیم.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. اسماعیلی مهر، حامد و عبدالله فتوحی، (۱۴۰۲)، «نقد و بررسی ملائک ثبوتی اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی»، اندیشه نوین دینی، سال ۱۹ پاییز ۱۴۰۲ شماره ۷۴.
۲. اکبریان رضا و زهرا تقوی، (۱۴۰۱)، «نوآوری علامه طباطبایی در مسأله نسبت اختیار و ضرورت علی»، تاریخ فلسفه در اسلام، سال اول تابستان ۱۴۰۱ شماره ۲.
۳. تاجیک جوبه، محمد و احمد فاضلی (۱۴۰۱)، «راهکارهای حل تعارض ضرورت علی و اراده آزاد بر اساس مبانی فلسفی علامه طباطبایی»، تأملات فلسفی، سال ۱۴ بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره ۳۲.
۴. حبیبی، سلیمان و رضا اکبری، (۱۳۹۳)، تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی، پژوهش‌های فلسفی - کلامی سال شانزدهم زمستان ۱۳۹۳ شماره ۲ (پیاپی ۶۲).
۵. حسین زاده، ۱۴۰۰.
۶. سعیدی مهر، محمد و سعید مقدس، (۱۳۹۱)، «بررسی نظریه علامه طباطبایی در باب سازگاری ضرورت علی و اختیار انسان»، حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، صص ۹۹ تا ۱۰۳.
۷. عدالت جو، سعید و علی ارشد ریاحی، (۱۳۹۸)، «تجدید نظرگرایی درباره اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی از نظر مانوئل وارگاس»، دو فصلنامه فلسفی شناخت، پژوهشنامه علوم انسانی شناخت، شماره ۱ / ۸۱، صص ۱۸۵-۲۰۶.
۸. علامه طباطبایی، (۱۳۸۰)، *نهایه الحکمه*، ترجمه و شرح نهایه الحکمه، علی شیروانی، جلد اول، دوم، سوم، ناشر انتشارات الزهراء، چ ۵.
۹. علامه طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، (۱۳۷۴)، مترجم: حجه الاسلام و المسلمین سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۰. کیلن، ملانی و اسمتنا، جودیت، (۱۳۹۸) *رشد اخلاقی*؛ کتاب راهنما، ترجمه

محمدرضا جهانگیرزاده و دیگران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.
 ۱۱. معزز، یوسف، (۱۴۰۱)، «ملاک اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی»، در نسیم خرد
 (دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی)، سال هشتم بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره ۱ (پیاپی
 ۱۴)

۱۲. مطهری، (۱۳۸۶)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، مجموعه آثار (ج ۶)، تهران، انتشارات
 صدرا، چاپ یازدهم.

۱۳. نصری، عبدالله، (۱۳۹۲)، «جبر و اختیار از دیدگاه علامه طباطبایی»، حکمت و فلسفه،
 دوره ۹، ش ۳۲.

14. Honderich, Ted. (2002). *How free are you, the determinism problem?*
 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.

15. Kane, Robert. (2005). *A Contemporary Introduction to Free Will*, New
 York: OXFORD University press.